

اگر هدف از ظهور مسیح پادشاهی بود، چرا عیسی درخواست مردم را برای تکیه زدن بر تخت سلطنت نپذیرفت؟



اگر هدف از ظهور مسیح پادشاهی بود، چرا عیسی درخواست مردم را برای تکیه زدن بر تخت سلطنت نپذیرفت؟

یکی از انتقادهای مخالفان درباره پادشاهی مسیح است. آنان می پرسند که در انجیل لوقا فصل ۱ آیات ۳۲ - ۳۳ پیشگویی شد تا مسیح به عنوان پادشاه ظهور خواهد کرد، در حالی که وقتی مردم خواستند عیسی را پادشاه سازند، او مخالفت کرد (یوحنا فصل ۶ آیه ۱۵).

مخالفان چنین استنباط می کنند که این تناقض بیانگر تحریف کتاب مقدس است. آیا این ادعا درست است؟

در انجیل یوحنا فصل ۶ آیات ۱ - ۱۵ عیسی ۵۰۰۰ هزار نفر را در کنار تپه ای در نزدیکی دریای جلیل در بیت صیداخوراک داد. وقتی مردم این معجزه بزرگ را

دیدند، گفتند: "حتما این همان پیامبری است که ما چشم برآهش بوده ایم". وقتی عیسی دید که مردم می خواهند او را به زور ببرند و پادشاه کنند، از آنان جدا شد.

اگر عیسی فقط یک انسان بود، بدون شک او با فورا درخواست مردم را می پذیرفت. فقط انسان ها برای شهرت و تحسین شدن هیجان زده می شوند. ولی عیسی تحت تاثیر چنین غروری نبود. او می دانست که به این جهان آمده تا به جای گناهکار بر روی صلیب کشته شود. او هیچ کاری بر خلاف این هدفش انجام نمی داد. او بر تخت پادشاهی نمی نشست، پیش از این که قربانی گناه را بگذراند. او باید رنج می کشید، خورش ریخته می شد و قبل از پادشاهی می مرد. عیسی در زمانی که می خواستند او را پادشاه سازند، خود را مخفی می کرد، ولی وقتی خواستند مسیح را مصلوب کنند، او حاضر بود.

یوحنا گزارش می دهد که مردم به زور می خواستند او را پادشاه سازند، زیرا ساعتی قبل معجزه نان و ماهی را مشاهده کرده بودند.

یهودیان مشتاقانه منتظر آزادیخواهی بودند که آن ها را از زیر ظلم و ستم رومی ها و هیرودیس پادشاه رهایی دهد. بنابراین، کسی که قادر به انجام معجزات است، می تواند یهودیان را از قید استثمار آزاد سازد. می توان تصور کرد این پنج هزار نفر برای جنگ چریکی کاملا آماده بودند تا با قدرت مافوق طبیعی مسیح، لشکر رومیان را شکست داده و برای اسرائیل را از مستمره روم آزاد نمایند.

اما مسیح می دانست که معجزه، احساسات ملی گرایی را در میان جمعیت یهودی برمی انگیزاند. عیسی کاملا می دانست که ماموریت او با آنچه مردم از او انتظار داشتند، تفاوت می کند. او آن ها را وا گذاشت و به تنهایی به کوه رفت.

سال ها قبل، فرشته به مریم گفت: "تو به زودی باردار شده، پسری به دنیا خواهی آورد و نامش را عیسی خواهی نهاد. او مردی بزرگ خواهد بود و پسر خدا نامیده

خواهد شد و خداوند تخت سلطنت جدش داود را به او واگذار خواهد کرد تا برای همیشه بر قوم اسرائیل سلطنت کند. سلطنت او هرگز پایان نخواهد یافت” (انجیل لوقا فصل ۱ آیات ۳۱ - ۳۳).

در این دو آیه چند نکته وجود دارد:

یک. انسانیت واقعی مسیح: مریم حامله شده و پسری خواهد زایید.

دو. الوهیت مسیح: پسر خدا نامیده خواهد شد.

سه. خدمت مسیح: نجات دهنده

چهار. او مرد بزرگی خواهد بود، چه در شخصیت و چه در کار.

پنج. تا ابد سلطنت خواهد کرد.

اما باید در نظر داشت که آیات ۳۱ - ۳۲ به اولین ظهور مسیح اشاره دارند. در حالی که از بخش دوم آیه ۳۲ - ۳۳ توصیفی است از بازگشت دوباره مسیح به زمین. در آن زمان او سلطنت خواهد کرد.

عیسی به جهان نیامده بود تا حکومتی دنیوی و سیاسی داشته باشد. او به جهان فرستاده شد تا رنج برده، برای گناهان ما بمیرد. او با رد درخواست مردم نشان داد که ملکوت او متعلق به جهان نیست. آنچه مسلم است حکومت سیاسی مسیح هرگز نمی توانست تاثیر روحانی عمیق بر درون انسان بگذارد. اگر انسان از طریق توبه به سوی خدا بازگشت نکند، هرگز به فرد مثبت و مفید برای خودش، اطرافیان و جامعه اش تبدیل نخواهد شد.

هم اکنون، شیطان بر قلب اکثر مردم جهان سلطنت می کند. مردم خواهان تغییر رژیم های سیاسی و یا تغییر و تحول در محل کار هستند، در حالی که خدا می خواهد ابتدا ما عوض شویم، آنگاه تحولات مثبت را خواهیم دید.